# قیام گتو ورشو



از انتشارات کنگره جهانی یهود

به کوشش: شیرزاد ابراهیمیان

# قيام گتو ورشو

از انتشارات كنگره جهاني يهود

به كوشش شيرزاد ابراهيميان

چاپ اول:فروردين ۱۳۴۲-آوريل ۱۹۶۲
كانون فرهنگي كوروش كبير

# خواننده عزیز

کتاب تاریخ ملت یهود همواره آکنده از اشکها و دردهای فراوان بوده است ازروزی که این ملت درصحنه تاریخ ظاهر گشته تا بامروز همواره فرمان «باخونت زنده باش» اورا همراهی میکرده است . بارها اتفاق افتاده که موجودیت ملی او در معرض خطرات بزرك قرار گرفته باشد . کینه توزیهای هامان ، محاکم انگیزیسیون اسپانیا ، پوگرومهای وحشیانه پتلورا وقصابیهای خمیلینسکی چندبرك ازهزاران برك کتاب تاریخ قطور این ملت است . اما برسینه قرن بیستم جنایتی را حک کرده اند که ترسناکترین سفاکیهای تاریخ دوران بربریت ازوحشیگریهای نرون قیصر گرفته تاسفاکیهای آتیلا وچنگیز دربرابرش رنك باخته اند . ملت یهود در این قرن فاجعه ای راتحمل کرده است که هنوز بشر قدرت جذب عظمت ودرك وحشت نهفته در آنرا بطور کامل نیافته است . باید بشریت با زمان وقوع این جنایات لااقل قرنی فاصله بگیرد تا دور نمای کامل این سفاکیها ضمیر فرهنك نویسانش رادرساختن لغات درخور ومناسب وافکار توده هایش رادردرك آن لغات قدرت وتوانائی نسبی بخشد .

میل به تساوی وآزادی یهودی محرك مبارزات وشورشهای بیشمار این ملت در تمام طول تاریخ بوده است .

برای این مبارزات که بعد از خرابی معبد دوم از مبارزه ودفاع دلیرانه دژ ماسادا شروع میشود وقیام برکوخبارا درپی خود میآورد وبه قیام گتو ورشو

نیزختم نمیشودنمیتوان جزنام شکست غرور آمیز وپیروزمند نامی نهاد . محور این قیامها بر علیه هر کشورورژیمی ازدم گرفته تایونان وازحکومت برتری مذهب کلیسا تا تئوری برتری نژادی رژیم هیتلری باشدنیل بزیستن در آزادی و تساوی است که از همان زمان خروج از مصر مورد علاقه خاص یهودی بوده است .

قیام گتو ورشو را باتمام شباهتهائی که باقیام وشورش دژماسادا داردمیتوان قرینه و پایان آن و شروع فصل جدیدی در تاریخ مبارزات ملت یهود دانست . تشابه شگفت انگیز طرز تفکر بین مبارزمسادائی با گتو ورشوئی مبارزه نومیدانه ای که نتیجه اش برای مبارزین مسلم و روشن است این اندیشه را تقویت میکنند که نسل جنگنده گتوئی دوران خمود فکری ۲۰۰۰ ساله را پشت سر گذاشته است . مبارز مسادائی و گتوئی هر دو مرگ قهرمانانه و ایستاده را ترجیح میدهند ودر این هدف پیروز میشوند . یهودی درقیام گتو ورشو گذرنامه زندگی جدیدی را میگیرد ودر آزمایشی که دوره تحصیلاتش دوهزارسال وقت گرفته است پیروز میشود .

اقدام بچاپ این جزوه ازطرف کنگره جهانی یهودوانتشار ترجمه فارسی آن ازطرف کانون فرهنگی کورش کبیر بهیچوجه برانگیختن حس ترحم فردی بسوی یهودیان نیست مقصود آنست تا ازمخزن تجربه ای که برای ملت ما بقیمت جان ۶ میلیون انسان زنده ، متفکر وصلحدوست تمام شده است سطری در گوش بشریت بازگو شود و کمک کنند تا باقیمانده های ریشه نازیسم که افکارعمومی جهان آنرا محکوم کرده است اما هنوز تلاش باحیا آن میشود قطع شوند وقانون تساوی حقوق انسانی بدون توجه برنك پوست ونام قاره وملت و کشور باجراء کامل گذارده شود .

**فروردین ۱۳۴۲ شیرزاد ابراهیمیان**

# خاطره ۱۹ آوریل

روز ۱۹ آوریل سال ۱۹۴۳ یعنی درست ۲۰ سال پیش درچنین روزی آخرین تصفیه وانتقال دسته‌جمعی یهودیان اروپا از بزرگترین گتوهای وقت آن قاره واقع درشهر ورشو پایتخت لهستان آغازشد . اما این نقل وانتقال معمولی زنان ومردان وکودکان یهودی همراه با آنچنان قیام دلیرانه‌زنان ومردان یهودی برعلیه نیروهای مسلح نازی است که خاطرهٔ آن هرگزازدلهای پرغم واندوهناك میلیونها افراد بشر محو نخواهدشد . دراین قیام یهودیان تصمیم گرفتند که باتبدیل گتو به‌یك دژ جنگی برعلیه شرارت وظلم ووحشیگری رژیم نازی بمبارزهٔ دلیرانه بپردازند . مدافعین گتو بخوبی میدانستند که سرانجام این قیام بجزمرك ونیستی برای آنها چیزی دربر نخواهدداشت . دشمن قوی ، محکم ، بیرحم وکینه‌توز وبی‌حوصله است ، مصمم است که گتورا باخاك یکسان سازد . این مردان واین زنان میدانستند که برای آنها شانس موفقیت وجود نداردومحکوم بمرك هستند. اماچه‌مرگی بالاترو پرافتخارتر ازدفاع شخصیت وجنك برعلیه‌ظلم وبربریت.

یکی از جنگجویان علت این قیام‌را برای یکی از لهستانیهای مقیم ورشو در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۴۳ اینطور بیان کرده‌است «همه‌ما دراین تقلا وجنك برعلیه ظلم محوخواهیم‌شد اما تسلیم نخواهیم گردیدما تشنه گرفتن انتقام وطالب مقاومت

در برابر دشمن مشترك هستيم بخاطر تمام جناياتی که نسبت بما رواداشته‌اند . اين يك مبارزهٔ مردانه برای بدست آوردن آزادی من وشما وابناء بشر است. برای بازگرفتن افتخارات اجتماعی وملی واستقلال فردی يكايك ما ، منظورما گرفتن انتقام خون بيگناهان قربانی قتلگاهها وكشتارگاههائی چون آشويتس تربلينكا ، بلزك ومدانك ميباشد . مرك بر قاتلين وجلادان . زنده باد مبارزه دليرانه برعليه بردگی وظلم . اين جمله شجاعانه که ازربان يکی ازاين قيام کنندگان ميباشد نمونه آنست که جنگجويان نه فقط مصمم بگرفتن انتقام خون مليونها يهودی بودند بلكه ميخواستند به نازيها ودستياران آنان ودنيا ثابت كنند که درچنين زمان تاريك ووحشتناكی هنوز روح آزاديخواهی ومقاومت دربين افراد بشر وآنان زنده است. آنها با يك چنين قيام قهرمانانه‌ای خواستند فكر آزادی واميد بزندگی را برای يهوديان تمام نقاط جهان ودرهر گوشه نيرو بخشندودراين لحظات تاريك وسياه تاريخ زندگی ملت يهود آنانرا متشكل سازند. اين مبارزه برای تحقق بخشيدن بروح آزادی پرستان تمام نقاط جهان بود تاهمه برعليه ترور ووحشت نازی وامپراطوری رايش سوم بقيام پردازند وعدالت ودادگستری وتساوی حقوق را برقرار سازند . نكته برجسته اينستكه تعداد زيادی ازجنگجويان را جوانان صيونيست تشكيل ميدادند . درنتيجه اين قيام راميتوان حداقل نوعی دمونستراسيون ونمايش نيروهای صيونيسم دردنيای يهود دانست که ارتش بريتانيای كبير را در فلسطين نكوهش وسرزنش ميكرد وباعث شد که بالاخره موفقيت، استقلال، پيروزی درجنك برعليه اعراب مهاجم درسال ۱۹۴۸ بدست آيد . سپس قيام مردانه گتوی ورشورا می توان بعنوان نطفهٔ اصلی مبارزات بعدی وپيروزی يهوديان برای بدست آوردن سرزمين آبا اجدادی آنها اسرائيل دانست . صحيح است که اين مبارزهٔ دليرانه درپايان بوسيله نيروهای قوی وقهارشيطان سركوب ومنهدم شد اماآنها برای سه هفته مقاومت كردند و دسته‌های كوچكی از آنان نه فقط هفته‌ها بلكه ماهها بجنك پارتيزانی برعليه آلمانها پرداختند ومقاومت آنان خيلی بيشتر از مقاومت نيروهای لهستان درسپتامبر ۱۹۳۹ وبلژيك وهلند درسال ۱۹۴۰ درمقابل سپاه آلمان طول كشيد .

اين است روزی که يهوديان جهان خاطرهٔ آنرا زنده نگهميدارند . تمام آزادی پرستان جهان نيز باهميت اين خاطرهٔ واقفند وبآن احترام ميگذارند .

خاطره‌ای ازمردان وزنان‌مصمم که شعارآنان‌این‌بودکه مرگ بااقتخار و بر روی پای‌خودایستاده بهتر اززندگی‌ننگین وزانوزدن‌در برابر دشمن‌است بله! ممکن است نیروهای شیطانی اندك‌زمانی بر آزادی‌وعدالت پیروزشوند ولی‌سرانجام ناچارند در برابر آن بزانو بیافتند.

این قیام‌در کنگرهٔ مرکب‌از نمایندگان‌مجلس‌سنا وشوراهای‌آمریکا بعنوان «سمبلی‌ازروح شکست‌ناپذیر آزادی‌پرستی‌در تاریخ مبارزات‌بشر برعلیه‌نیروهای شیطانی» نامیده‌شده‌است.

قیام‌گتوی‌ورشو یك‌معنی‌دیگررا نیزمیرساند یك‌معنی‌غم‌آور وددرناك، این‌آخرین‌شکست‌جامعهٔ یهودیان درشرق‌اروپا ونشانهٔ اضمحلال آنان‌است. تا این‌تاریخ یهردیان‌امیدواربودندکه شیطانهای نازی باایجادامکان برای‌زیستن درچنین گتوهای عظیمی تا حدودی خواسته‌اند وجودیك‌جامعهٔ یهودی‌را دراین نقطهٔ جهان نادیده بگیرند. اماتصمیم آلمان‌هیتلری بر برچیدن این گتو تمام آرزوهارابرباد داد.

پس‌تاریخ۱۹ آوریل‌را میتوان نه‌فقط بعنوان اضمحلال وتعیین سرنوشت یهودیان‌شرق‌اروپا بخاطر آورد. بلکه‌روزی‌است مهم‌برای‌ضبط درتاریخ‌یهودیان جهان برای‌برپاداشتن یك‌روزعزای‌ملی. خاطرهٔ این‌روزترکیبی‌است‌ازافتخار وعزا وبالاخره‌امیدواری بزندگی‌بهتر.

خاطرهٔ بیستمین سال قیام‌گتوی ورشودرزمانی انجام‌میگیردکه ماشاهد تشدیدفعالیتهای‌نئوفاشیست ونئونازیسم دربسیاری‌ازکشورهای جهان هستیم که مشغول ایجاد ارتباط وفعالیت برای‌اتحاد وهمبستگی بایکدیگر هستند تاآنکه دارای‌یك‌قدرت جهانی‌بشوند مثلاپسریکی‌ازمارشالهای نیروی‌هوائی‌انگلستان باسم میشل‌اسلاترMichel slatter که اخیراً بریاست ناسیونال سوسیالیستهای انگلستان‌رسیده‌است بعداززندانی‌شدن رهبرقبلی‌باسم کولین جوردانjordan- Colin خطاب‌بیکی ازخبرنگاران چنین‌گفته‌است «من‌ازاینکه‌عضوفعال‌حزب ناسیونال‌سوسیالیست‌هستم افتخارمیکنم‌وهیتلررا بعنوان‌یك‌مرد بزرگ موردستایش قرارمیدهم».

این صاحبان مغز های خشك و نادان چه کم از جنایات هیتلر مطلع هستند که فرزند یکی از ژنرالهای معروف انگلستان سر لئونارد اسلاتر که

باشجاعت برعلیهٔ ظلم نیروهای رایش سوم جنگیده است چنین اظهارات احمقانه‌ای را برزبان میراند !

تراژدی گتوی ورشو باید توجه مردم جهان را باین حقیقت دردناك جلب نماید که اگرجلوی عده‌ای ازافراد سبك‌مغز ونژادپرست بازگذاشته شود چنین وقایعی امکان تجدید میبابند وروی این اصل نبایددیگر بآنها امکان رشد مجدد داد . خاطرهٔ قیام گتوی ورشو بزبان دیگر یك اعلام خطر بیهودیان جهان است که نگذارند این نیروهای شیطانی افکار مردم را مسموم سازند وباید باکمك تمام دوستداران آزادی های فردی و اجتماعی و حق پرستان بر علیه رشد آنان بمبارزه بپردازند .

# قیام

## ۱- یهودیان ورشو

یهودیان ازقرن ١٤ بهورشو مهاجرت کردند ابتدا دستههای ١٥٠ نفری وارد شهرشدند اماهمهآنهارا درسال ١٤٥٣ ازشهربیرون راندند وحکام وقت اموال آنهارا ضبط کردند دراواخرقرن١٦ دوبارهیهودیان بهورشوبرگشتند . امابمحض تشکیل‌پارلمان لهستان‌دوباره ازورشوبیرون راندهشدند بالاخره در اواخرقرن١٨ بیهودیان‌اجازهداده‌شدکه درورشواقامت دائمی‌داشنه‌باشندبشرط اینکه‌مالیات مخصوص بپردازند.

کم‌کم مهاجرین یهودی‌آلمانی نیزبه‌ورشوآمدند ووزنهٔ مهمی دراقتصاد کشورلهستان‌شدند درسال ١٨٦٢ بیهودیان‌اجازهٔ نامحدودبرای‌فعالیت‌اقتصادی واقامت وجمع‌مال وثروت‌درلهستان داده‌شددرسال ١٨٦٢ جمعیت یهودیان در حدود٦٤٠٠٠ نفربود این‌رقم درسال ١٨٨٢ به١٣٠٠٠٠ نفر رسید دراواخر قرن‌نوزدهم‌واوائل‌قرن بیستم تعدادزیادی یهودمان‌روسیه بهورشوآمدندجمعیت آنها درسال ١٩١٠ به٣٦٠٠٠٠ نفربالغ‌شد . وقتی‌که بعدازجنگ‌اول ورشو پایتخت‌جمهوری‌لهستان‌گردید جمعیت‌یهودیان روبفزونی نهاد وبه٣٨٠٠٠٠

نفررسید و ۱۱درصدکل یهودیان لهستان‌را تشکیل‌داد ورشو مرکز ارتباطات و تجارت و تشکیلات هنـری لهستان و یهودیان گردید و لهستان بـا داشتن یك‌اقلیت یهودی معادل ۳٫۳۰۰٫۰۰۰ نفر از بزرگترین مناطق یهودی نشین اروپا شد .




نقشه گتو ورشو بمساحت ۱۰۰۰٫۰۰۰ متر مربع

## ۲ـ تاسیس گتو

گتوی ورشو در نوامبر سال ۱۹۴۰ تاسیس شد . این دومین گتو در لهستان بود . اولی در شهر لودز Ldoz در آوریل همان سال تاسیس شده بود بعداً در تابستان ۱۹۴۰ نازیها دست بساختن دیواری بارتفاع ۸ پا بدور گتو کشیدند و سطحی بطول ٤ کیلومتر وعرض ۲٫۵ کیلومتررا محصور کردند . این ناحیه کــه در حدود ۱۰۰۰ آر وسعت داشت شامــل قسمتی از شمال ایستگاه راه آهن و قسمتی از ناحیه صنعتی ورشو میشد . در عکس بالا نقشه مسطح گتو دیده میشود .

درسپتامبر ۱۹٤۰ درحدود ۲٤۰٫۰۰۰ نفر یهودی و ۸۰۰۰۰ نفر لهستانی غیر یهودی دراین ناحیه زندگی میکردند . در ۱۶ اکتبر همان سال نازیها به ۸۰۰۰۰ نفر غیر یهودی طی حکمی فرمان دادند که درعرض ۲ هفته این ناحیه را ترك کنند. درعوض درحدود ۱۰۰٫۰۰۰ نفر یهودی که در خارج از گتو زندگی میکردند بآنجا رانده شدند . همراه عده‌ای زنان لهستانی که شوهرانشان یهودی بودند وتمام لهستانیهائی که اصلشان بیهودیان میرسید . در آنموقع تقریباً در حدود ۳۶۰۰۰۰ نفر یهودی در گتو میزیستند در ۱۵ نوامبر ۱۹٤۰ تمام دروازه‌های باز گتو بسته شد . وافراد قشون آلمان درجلوی دروازه‌ها بنگهبانی مشغول شدند ودر نتیجه ارتباط یهودیان گتو باخارج قطع گردید .

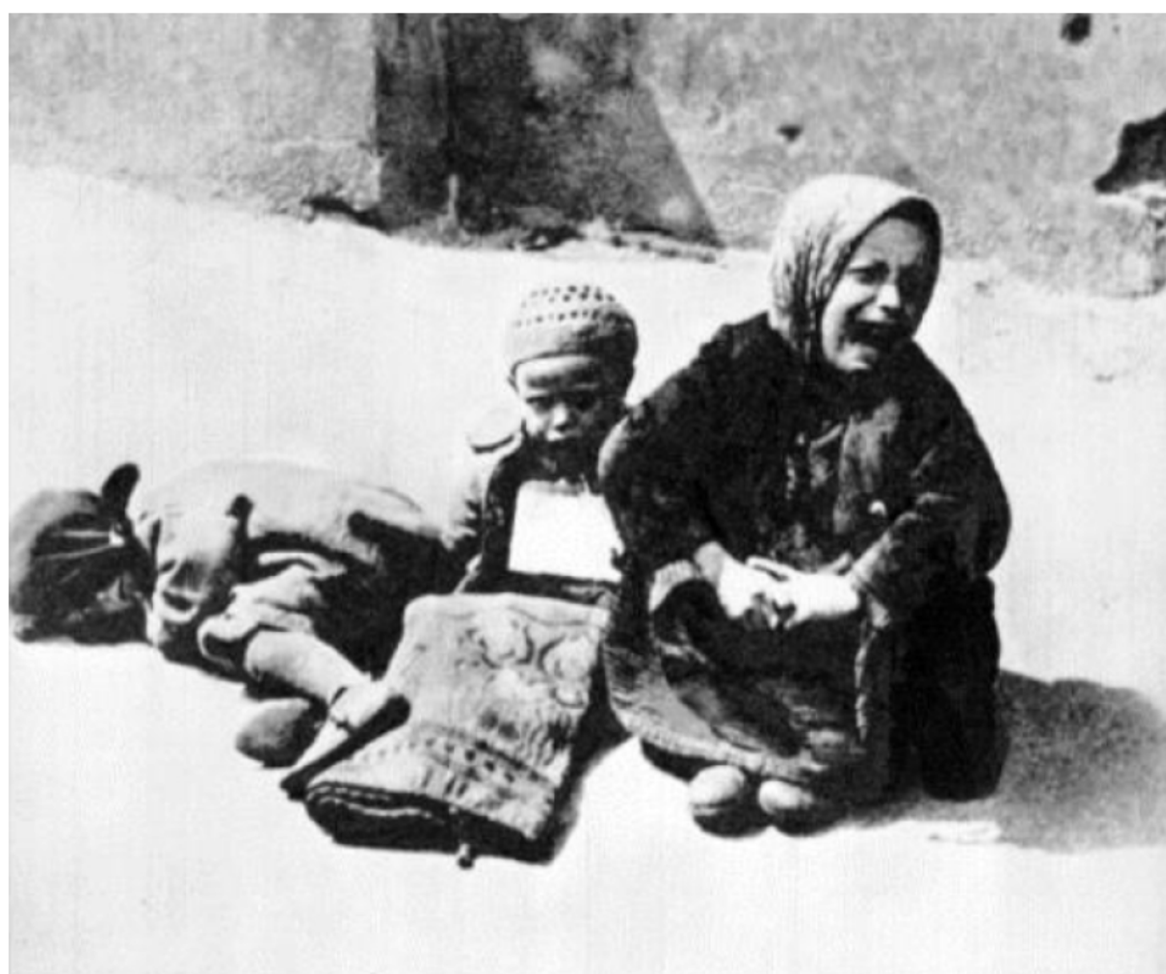
بعداً تعداد یهودیان گتو رو بفزونی نهاد زیرا تمام مهاجرین واسرا تمام نقاط لهستان که به ۱۲۰٫۰۰۰ نفر میرسیدند به گتو منتقل شدند و تعداد یهودیان ساکن گتو به ۵۰۰٫۰۰۰ نفر رسید .

## ۳ ـ زندگی در گتو.

حتی قبل ازاینکه ارتبا ط یهودیان ساکن گتو با خارج قطع شود آنان عملا ازتمام ثروت واموال غیر منقول خود محروم شدند. با تمرکز تمام جمعیت یهودیان در گتو ۱۷۳۰۰۰ نفر افراد بیکار که استعداد کار کردن داشتند برای پیدا کردن کار بفعالیت وتلاش پرداختند تا ازقحطی و گرسنگی نمیرند . بوضعیت و شدت ناراحتی این عده درصورتی می‌توان پی برد که درنظر بگیریم پیدا کردن کار حتی دراردوگاههای اجباری درخط یخبندان مرز روسیه بعنوان یك امتیاز و توفیق

بزرك محسوب میشد . بیشتر یهودیانی که فاقدخانه وکار بودند درعرض یکسال مردند . بسیاری بارغبت ومیل بهاردوگاههای مرك درترابلینکا Trablinka پیوستند تازندگی دردآلودشان زودتر پایان یابد.

درسال ۱۹٤۱ درحدود ۵ درصد یهودیان ورشو ازگرسنگی ومرض مردند فقط درفاصله بین نوامبر ۱۹٤۰ تا آوریل سال ۱۹٤۳ درحدود ۹٦۰۰۰ نفر یهودی درگتوی ورشو بدرود زندگی گفتند این رقم تعجب آور نیست زیرا جیره‌ای که از طرف آلمانها بهر یهودی داده میشد معادل ۱۷۷ تا ۲۱۹ کالری درهر روز بود در صورتیکه زیست‌شناسان آلمانی معتقد بودند که هر فرد زنده درروز محتاج بغذائی معادل ۲۳۸۰ کالری میباشد . در پایان سال ۱۹٤۱ درحدود ۱۰۰۰۰۰ یهودی در ورشو میتوانستند درروز فقط یکبار کمی سوپ بخورند . بعضی اوقات این سوپ را باکاه درست میکردند وازطرف سازمان امدادی یهودیان بین آنها تقسیم میشد . اپیدمی مرض حصبه وتیفوس وامراض دیگر بین آنان شیوع یافت . آقای استانیسلاو



آنها میگریند ، آنها فریاد میکشند ، ناله وزاری میکنند ، ازسرما میلرزند، فاقد پوشاکند ، کفش ولباس زیر ندارند . بعضی ازشدت گرسنگی کف بر دهان دارند ، تعدادآنها نا شمردنی است نیم زنده ونیم مرده‌اند .

روزیکی در کتاب خود وضع یهودیان ساکن گتو را اینطور تشریح میکند «آنان (یهودیان ساکن گتو) بیشتر شبیه ارواح واسکلتهای مرده هستند . زنده پوش ، ماتم زده با نیمه شباهتی با انسان . درخیابانها کودکان فریادمیکشند گریه میکنند و بیحس و ناتوان بروی زمین میافتند و میمیرند ماهانه در حدود ۱۰۰۰ نفر از امراض مختلف درمیگذرند . اول هر صبح درخیابانها با اجساد گدایان ، بچه ها ، پیرمردها جوانان و زنان روبرو میشوید»

آقای روزیکی سپس بشرح احوال یک زن و مرد پیر پرداخته که زمانی از ثروتمندترین و روشنفکرترین مردم اروپا محسوب میشدند وحالا عاجز ، درمانده ، گرسنه و قحطی زده در خیابانهای گتو بالا و پائین میرفتند وتقاضای لقمه ای نان داشتند و بر این شقاوت و وحشیگری لعنت میگفتند.



آنها برای دو تا سه ماه به گدائی میپرداختند . اما در پایان همه آنها در گوشه خیابان ویا کنج بیمارستانی میمردند ، نومیدی ، سرما ، گرسنگی ومرض آنها را ازپای درمیآورد .

## ۴ـ گتو خالی ازسکنه میشود

بلافاصله پس از تصرف ورشو آلمانها اجازه داشتند که درمواقع لزوم بسوی یهودیان شلیك کنند . کشتارهای دسته جمعی از آوریل ۱۹٤۲ آغازشد همچنین بین سالهای ۱۹٤۱ تا ۱۹٤۲ درحدود ۱۸۰۰۰ نفر ازجوانان نیرومند برای بیگاری وبردگی بآلمان منتقل شدند درژوئیه ۱۹٤۲ نازیها دست به انتقال دسته جمعی یهودیان گتوی ورشو زدند مطابق این نقشه روزانه ۶۰۰۰ نفر یهودی بهغرب منتقل میشد . این انتقال درحقیقت بسوی اردوگاههای مرك ترابلینکا ویامنیسك لوبلین ومیدانك بود . جمع کل یهودیانی که تا سال ۱۹٤۳ باین نقاط فرستاده شدند به ۳۰۰،۰۰۰ میرسید ۲۷۰،۰۰۰ نفر این عده از ۲۲ ژوئیه تا ۲۱ سپتامبر ۱۹٤۲ اعزام گردیدند . حتی در روز کیپور که مهمترین روز سال برای هر فرد یهودی است این انتقال ادامه داشت . بعلت تقلیل جمعیت یهودیان گتو نیمی از گتو بتصرف آلمانها درآمد . در بین ماههای اوت وسپتامبر ۱۹٤۲ این گتو وسعتی در حدود ۹۵۰ متر در ۲۰۰ متر داشت .

## ۵ـ قیام گتوورشو .

دراواخر سال ۱۹٤۲ نوعی سکوت وخاموشی لهستان را فراگرفت بعداز فرمان محرمانه هیتلر تحت عنوان Action Reinhard یا انتقال دسته جمعی یهودیان لهستان مقدمات بطرز وسیعی تدارك دیده شده بود . درماههای دسامبر ۱۹٤۲ وژانویه ۱۹٤۳ ناگهان دستجات جنگندهٔ یهودی در گتو تشکیل شد ومخفیانه شروع بتهیه سلاح گرم نمود . البته بهای اسلحه سرسام آور وگران بود . ژنرال اس.اس آلمانی جورگن استروپ Jurgen stroop اقرار کرد که مقدمات قیام ازاواسط سال ۱۹٤۲ آغاز شده است .

اولین مقاومت مسلحانه یهودیان در گتوی ورشو درژانویه ۱۹٤۳ انجام گرفت دویست نفر ژاندارم با ۸۰۰ نفر سرباز اس.اس همراه باپلیس لهستان ناگهان وارد گتو شدند اما یهودیان باکمك اسلحه گرم ، چاقو ، دشنه واسید با آنها مواجه شدند . ۷ ازده پوش ژاندارم وچندواحد اس.اس مامور شکستن مقاومت یهودیان گردیده بودند . درآنروز ۶۰۰۰ یهودی را ازگتو منتقل میکردند . از طرف نیروهای مقاومت یهودیان بهساکنین گتو دستور داده شده بود که ازانتقال خود

ممانعت کنند وهرخانه‌را بصورت یك‌دژ وسد دربرابر عبور سربازان آلمانی در آورند برای‌مختل‌کردن نقشه‌نازیها‌در‌تاریخ ۱٤مارس۱۹٤۳از‌طرف‌نیروهای مقاومت یهودیان گتو به‌ساکنین دستور داده‌شد‌که ازثبت‌نام برای‌کارخارج از محوطهٔ گتو خودداری کنند .

در آوریل ۱۹٤۳ آلمانها‌تصمیم نهائی‌خودرا برای‌تصفیه‌گتو وپاك‌کردن آن از یهودیان گرفتند انجام این‌کار بعهدهٔ ژنرال اس اس آلمانی جورگون استروپ گذاشته شد . بنـا باقرار همکار و دستیار استروپ بنام کارل کالسك Karl kaleske نیروهای‌آلمانی مرکب‌از ۱۰۰۰سرباز نارنجك‌انداز و‌هزار سرباز اس.اس ودوواحدکامل‌نیروی زمینی‌وگروهان‌داوطلبان‌ارتش ویك‌واحد از‌نیروهای‌Sipoسیپو بود . همچنین‌چندواحد ازنیروهای ارتش وپلیس‌لهستان درکارزار شرکت داشتند . تمام افرادنیرو باکلیهٔ تجهیزات‌جنگی واسلحه‌های گرم مجهز بودند . بنا باقرار ژنرال استروپ جنگجویان یهودی فقط دارای تفنگهای‌ضیف جنگی ومسلسل وطپانچه ونوعی نارنجك‌باسم کوکتیل‌مولوتوف بودند.خانم‌سیویا‌لوبتکین کوکرمن درجریان‌محاکمه‌آیشمن‌گزارش‌داد که‌افراد گروه ۲۰ نفری‌او‌فقط مجهز بدو تفنك‌و بمبهائی‌بودند که‌آنرا بدست‌خودساخته‌بودند وباکبریت منفجرمیشد باضافه‌یك‌رولور ویك‌دشنه.



این‌عکس اسلحه هائی است‌که جنگجویان یهودی از‌آنها استفاده کردند

نیروهای‌جنگنده یهودی‌که درزبان‌لهستانی باسمبل ZOP نامیده میشدند درژوئیه‌سال ۱۹٤۲ تشکیل‌شد . هسته‌اصلی آنراگروه‌های جوانان صیونیست وابسته به‌جناحهای مختلف نظیرهخالوتص ، هشومر هصاعیره پوعله‌صیون صعیره صیون (مپای) ، درور ، هنوعر ، هتصیونی وعکیبا (صیونیست عمومی) وپوعله صیون‌لغت تشکیل‌میداد . احزاب‌کارگری لهستان مخفیانه‌باین‌دسته پیوستند و وافراد غیرتشکیلاتی نیز باآنان همکاری داشتند . علاوه‌بر ZOB واحد نیروی نظامی‌یهودیان نیز تحت‌اسم مستعار ZZW وجود داشت‌که یك‌دسته مستقل‌بود این‌واحد اززنان ومردان وحتی‌افراد ۱٤تا۱۵ساله تشکیل‌میشد . فرماندهی نیروهای‌جنگنده‌یهودی بعهده‌یك‌ستاد نظامی‌بود که ریاست‌آنرامردخای‌انیلویچ (عضوهشومرهصاعیر) دردست داشت .



**مردخای انیلویچ**
**Mordechai Anielewicz**

اعضای ستاد او عبارت بودند از : اسحق کوکرمن (هخالوتص) مارك اولمن (بوند) هرسز برلینسکی (لفت پوعله‌صیون) یوهانا مرگانسترن (پوعله‌صیون ـ سعیره‌صیون) میشل روزنفلد (کمونیست) . از بین اینعده فقط کوکرمن و ادلمن به نازیها تسلیم شدند .

آخرین قیام مسلحانه یهودیان در ۱۹ آوریل ۱۹۴۳ انجام گرفت این قیام عیناً شبیه یك جنك واقعی بود . هرطرف بولتن‌های روزانه‌ای منتشر میکردند . استروپ روزانه گزارش عملیات خودرا بفرماندهٔ اصلی در کراکو میداد و تشکیلات یهودیان گزارش عملیات و وضع جبهه‌را باطلاع مردم گتو میرساند همچنین نیروهای زیرزمینی و مخفی گزارشهای مختلفی برای جنگندگان یهودی تهیه میکردو در خارج گتو نیز فعالیت داشت .

واحد نیروهای اس.اس وپلیس آلمانی با زره‌پوش در ۱۹ آوریل وارد گتو شدند وشروع به پیشروی کردند این حمله غیرمنتظره وناگهانی نبود . گرچه تاریخ حمله‌را آلمانها محرمانه ومخفی نگهداشته بودند اما یهودیان از روز قبل تاریخ حمله‌را میدانستند . ژنرال استروپ اقرار کرد که جنگندگان یهودی بخوبی از تمام رموز ونقشه‌های پیشروی آلمانها باخبر بودند مهاجمین با کوکتیل مولوتف وشلیك رگبار مسلسل مورد استقبال قرار گرفتند ناچار آلمانها بعداز آنکه تعداد زیادی کشته دادند عقب نشینی کردند . ٢٤ نفر زخمی شدند و ۲ زره‌پوش از کار افتاد. این موفقیت باعث پشتگرمی یهودیان شد . قهرمانان آلمانی باترس ولرز عقب نشینی کردند . همان کسانی که لوله اسلحه‌های خودرا درمقابل سینه‌های بیدفاع میگرفتند وامر ونهی میکردند اکنون درپناه چندین زره‌پوش و وسائل مدرن جنگی نتوانستند حریف مشتی جنگنده وپارتیزان شوند . از بمبهای دستی ساخت گتو وحشت داشتند واز بیم نارنجك‌های دستی ومولوتوف کوکتیل در پناه زره‌پوشها مخفی میشدند . مقاومت یهودیان آلمانهارا دچار بهت وحیرت کرد . معاون ژنرال استروپ، سرهنك اس.اس سامرن فراکنك که عملیات‌را رهبری میکرد هرگز انتظار چنین واقعه‌ای‌را نداشت . وقتی کار از کار گذشت شرمنده وخجل به ژنرال استروپ گزارش داد که میدان پس است وآنرا باخته‌اند . آنگاه از فرماندهٔ کل درخواست کرد تا چند استوکا Stuca (هواپیمای بمب افکن) دراختیار او بگذارد تا فوراً قیام جهودهارادرهم بشکند امااستروپ اورا ازاینکار بازداشت روز بعد نازیها برای باردوم با ۳۰۰ نفر سرباز اس‌اس بگتو حمله کردند ودوباره

باآتش گلوله مواجه شدند . ناچار آلمانها ناجوانمردانه شروع بآتش زدن خانه هاکردند و اسلحه را بکنار گذاشتند. جنگ خانه بخانه شروع‌شدشماره مجروحین ومصدومین‌مردم بیشترمیشد مقاومت‌یهودیان روزهاطول کشید. بیشتر مصدومین کودکان وزنان وپیرمردان وپیرزنان‌بودندآلمانها هرخانه‌راکه‌تصرف میکردندآنرا باخاك یکسان‌مینمودند. جنگجویان یهودی حتی درخانه‌هائی که آتش‌از آن بآسمان زبانه‌میکشید مقاومت‌میکردند. واحدهای‌نازی مجبوربودند واردخانه‌هاشوند وجنگجویان‌راازبین‌آتش‌درحالیکه‌آخرین فشنگ‌اسلحه‌خودرا مصرف‌کرده‌بودند دستگیرسازند .

بولتن‌شماره ۵ نیروهای جنگجویان یهودی با این‌کلمات شرایط ووضع جبههٔ جنگ‌باآلمانهارا توضیح میدهد «درتمام مدت‌شب وروز فضای‌گتورا دود فراگرفته بود. بدون شك آلمانها تصمیم گرفته‌اندکه هوای‌گتورا دودآلودوغیر قابل‌تنفس‌سازند. آلمانها بخوبی‌درك‌کرده‌اند‌که‌آنها نمی‌توانند درهوای آزاد مردانه جنگندگان‌رادرهم بشکنند ، هزاران‌نفر زن وبچه طعمهٔ حریق شدند بعضی باالباس سوخته اینطرف وآنطرف میدویدند و باالاخره‌کباب میشدند اما



منظره گتوی مشتعل در هنگام قیام

مقاومت جنگجویان هرگز درهم شکسته نخواهد شد و هرگز اسلحه را بزمین نخواهیم گذاشت ، خانم لوبتکین ماده شیر شجاع گتو ورشو در شهادتی که در دادگاه آیشمن داد اظهار داشت که در روزهای اول یهودیان ساکن گتو در خیابان یکدیگر را در آغوش میکشیدند و میبوسیدند : آنها میدانستند که روز گرفتن انتقام هنوز فرا نرسیده است اما انتظار چنین روزی را میکشیدند.

نازیها برای اینکه کار گتو را یکسره کنند گتو را به ۲٤ ناحیه تقسیم کردند و برای هر ناحیه یك گروهان نازی را مأمور حمله و کنترل همان قسمت نمودند. تمام فعالیتهای قهرمانانه جنگندگان یهودی در مقابل شقاوت و بیرحمی افراد این گروهانها هیچ بود ٤ روز پس از آغاز عملیات مردخای انیلویچ فرمانده جنگجویان به کوکرمن معاون خود اظهار داشت که جنگجویان دیگر احتیاجی به رهبری آنان ندارند و خود گتو و افراد آن از موجودیت خود دفاع میکنند . در اینهنگام کوکرمن از خارج از گتو با جنگجویان گتوئی همکاری و کمك میکرد . نظر بوضع استراتژی آلمانها جنگجویان یهودی از ۲۳ آوریل دست به عملیات جنگی پارتیزانی زدند این عملیات بدون وقفه ادامه یافت در ۱٦ ماه مه ۱۹٤۳ بنا بگزارش استروپ تعداد یهودیانی که در دست آلمانها اسیر شدند و یا نابود گردیدند جمعاً به ۵٦۰٦۵ نفر میرسید بعلاوه در حدود ۵ تا ٦ هزار نفر از یهودیان در اثر انفجار و آتش سوزی بقتل رسیده بودند. از تعداد ۵٦۰۰۰ نفر ۷۰۰۰ نفر در جریان عملیات جنگی بقتل رسیدند و تعداد ٦۹۲۹ نفر فوراً به ترابلینکا اعزام شده بودند که با مرك دست بگریبان شوند. نازیها مجبور بودند که متجاوز از ٦۳۱ خانه و انبار را در گتو خراب کنند تا تمام جنگجویان را دستگیر سازند . عده ای از یهودیان که طالب خونریزی نبودند از گتو بیرون گریختند . اشکالاتی را که جنگندگان یهودی با آن مواجه شدند در ۲٤ مه سال ۱۹٤٤ به کمیته ملی یهودیان تسلیم شد و در آن وضعیت گتو با این جملات توضیح داده شده است .

«دردهم ماه مه ۱۹٤۳ دو نفر از افراد زیرزمینی جنگجویان یهودی که در ناحیه ای خارج گتو فعالیت میکنند ۸۰ نفر از اسرای گتو را بوسیله عبور از یك کانال مخفیانه بخارج گتو بردند . این عمل در جلوی چشمان بازسربازان آلمانی و پلیس لهستان انجام گرفت»

گرچه قسمت زیادی از عملیات جنگی بافرمان ژنرال استروپ در ۱٦

ماه مه ۱۹۴۳ پایان یافت اما در هفته‌های بعد نیروهای جدا جدا و تك تك هنوز برعلیه قشون آلمان میجنگیدند و نومیدانه ازداخل خانه‌های غوطه‌ور در آتش مقاومت میکردند .



یهودیان را بزور از گتو خارج کرده‌اند.

قیام گتو اثرعجیبی درمردم لهستان نمود وآنان را دچار شوك ساخت . از نظر شباهتی که قیام گتو به جنك استالینگراد داشت در بین لهستانیها بنام گتوگراد معروف شد. بهرحال بااینکه نیروهای زیرزمینی مقاومت لهستانی وکارگران با نیروهای زیرزمینی یهودیان همکاری داشتند و برای آنها اسلحه میفرستادند. اما ازلحاظ آذوقه افرادگتو سخت درمضیقه بودند. بعداز جنك ژنرال استروپ در زندان ورشو ادعا کرد که مردم لهستان علاقه ودقت مجهولی درمورد وقایع گتو بکار میبردند. اما پلیس لهستان مجدانه دردهم کوبیدن قیام مساعدت میکرد. دولت آزادلهستان در ۱۸ ماه مه سال ۱۹۴۳ بافرادخود در لهستان دستور داد که بیهودیان آذوقه واسلحه برسانند اما این دستور خیلی دیر صادرشده بود. زیرا ۵ ماه تمام از زحمات وجنك و جانبازی یهودیان گذشته بود . نیروی زیرزمینی لهستان با

همکاری جوانان لهستانی بیهودیان اجازه داد که ازراه کانالهای مخفی زیرزمینی وفاضل آب فرار کنند. البته درصورتی که درازاء فرار هرنفر ۱۰۰۰۰ زلوتیس بپردازند بدین ترتیب جنگجویان مجبور بودند که فقط به بازو و اسلحه خود متکی باشند.

حتی خود ژنرال استروپ تحت تأثیر مقاومت دلیرانه یهودیان قرار گرفت اودر گزارشهای خود همیشه ذکر میکرد که «دستجات تازه نفس جنگنده بیست سی نفری ویا بیشتر مرکب ازجوانان یهودی ۲۰ تا ۲۵ ساله که در بین آنها عده‌ای زن هم دیده میشود مرتباً برمقاومت خودمیفزایند» . این دستجات دستور داشتند که تا آخرین نفر بجنگند وهنگام شکست دست بخودکشی بزنند وهرگز اسیر و تسلیم دشمن نشوند. زنها نظیر مردها مسلح شده بودند. بسیاری اوقات درحالی که درهردودست طپانچه داشتند بجنك وشلیك تیر میپرداختند. بنابگفته استروپ آلمانها مکرر شاهد بودند که یهودیها علیرغم آتش سوزان ترجیح میدادند که به گتو و بین آتش برگردند و در عوض تسلیم نشوند. در پایان بالاخره قلعه گتو فتح شد. دشمن نیرومند بهدف خود رسید و ژنرال استروپ مغرورانه وبا افتخار بهپیشوا گزارش داد: «محله قدیمی جهودها در ورشو با خاك یکسان شد»



از گتو بجز چند خرابه چیزی باقی نماند. امادرهمین خرابه‌ها یهودیان تا آخرین نفر و نفس برعلیه نازیها جنگیدند

**پایان**

**هیرش گلیک** سراینده سرود پارتیزانها که‌بصورت سرود سازمان متحده پاراتیزانهادر آمد یکی از شاعران جوان ویلنابود(*) برای مدتی کوتـاه عضو نهضت شومـر هتصاعیر، نگهبانان جوان بود سپس به عضویت سازمان متحده پارتیزانها در گتوی ویلنـا در آمد ـ دراگوست ۱۹۴۳هنگامی که گتو نابود گشت به اردوگاه « گولد فیلد » در استونی فرستاده شد درتابستان۱۹٤٤باعده‌ای ازدوستان‌جوانش به جنگلی که درحوالی اردوگاه بود گریخت وازآن‌پس‌هیچ اثری‌ازاو به‌دست نیامده‌است او در آن‌هنگام ۲۲ساله بود .

---

ویلنا مرکز جمهوری استونی درسال۱۹٤۲ـ۶۶.د' ازساکنین آن‌یهودی بوده‌اند .

**سرود پارتیزانهای یهودی**

**از : هیرش گلینك**

مگو هرگز که این‌ره آخرین راهست ،
اگر چه آسمان تیره ، روشن روز مارا محو
میسازد ،
زمانی کــز برایش انتظــاری اینچنین سنگین
کشیدستیم :
سرانجام ازغبار راه می‌آید .
وطبل ضربه های گامهامان مژده خواهدبرد
که اینجائیم .

وما از دوردست سرزمین نخل‌های سبز تاانبوه
دورسرزمین‌های سفیدازبرف،
دراین‌راهیم باغمهای خودهمراه .
وآنجاکاخرین‌قطره‌های‌خون فروغلتید ،
دلیری هایمان گردن میافرازد

ودیگر بار خورشید سحرگاهی میافروزد ره
مارا ،
ومحنت‌بار بگذشته زدیده‌محو میگردد ،

و گرهم نورهارا این‌توان نبود که برخیزند ،
سرودما بگوش بس‌زمانها بازخواهد گفت ،
ازایمانی که مارا هست ،

وما باخون‌نوشتیم این‌سرود خویش‌را تاجمله
برخوانند.
ولی‌این‌نغمهٔ مرغی‌سبکسر نیست‌درپرواز،
سرود خویش‌را در مشت نارنجك میان غرش
ترکیدن‌دیوارهای‌سخت،
میان‌داغهای شعله‌ور خواندیم ،

مگوهرگز که این‌ره‌آخرین‌راهست،
که این دم واپسین لحظه‌است ،
زمانی کزبرایش اینچنین‌سنگین کشیدستیم،
سرانجام ازغبار راه‌می‌آید .
مکن تردید !
طنین گامها چون‌رعدمی‌غرد ،
که اینجائیم !

متن اصلی از انتشارات کنگره جهانی یهود

نشر ترجمه فارسی از کانون فرهنگی کورش کبیر

**فروردین ۱۳۴۳ - آوریل ۱۹۶۴**